

آثار حیات طیبه انسان از دیدگاه قرآن کریم

مریم ولی نسب^۱

چکیده

از دیدگاه قرآن کریم حیات حقیقی از آن خداوند است و همه موجودات بهره‌ای از آن را دارا می‌باشند. جهان خلقت مظهر رحمت رحمانی پروردگار است و مسیری است که از طریق آن هر موجودی به کمال خویش دست می‌یابد. یکی از راههای رسیدن به کمال رسیدن به حیات طیبه است. حیات طیبه یکی از مقولات بنیادی در اندیشه بشر معاصر است. مسلمانان و غیرمسلمانان از منظر خاص خود این موضوع را مورد مطالعه قرار داده‌اند. با توجه به اهمیت و جایگاه والایی که این مسأله نزد دین مقدس اسلام دارد؛ شناخت و تلاش برای رسیدن به آن، نتایج متفاوتی برای هر انسانی در بر خواهد داشت. در این پژوهش ابتدا به ذکر معنای حیات طیبه انسانی از دیدگاه مفسران و بزرگان دین می‌پردازیم، سپس به بررسی وجوه مختلف حیات در قرآن کریم و جایگاه حیات طیبه در قرآن می‌پردازیم. امید است تصویری هر چند کوتاه را برای خوانندگان این مقاله فراهم آوریم تا با معنا و مفهوم حیات طیبه آشنایی بیشتری پیدا کنند.

کلیدواژه‌ها: حیات طیبه، ایمان، عمل صالح

^۱. حوزه علمیه صادقیه، تبریز.

مقدمه

خداوند انسان را آفرید و به او نعمت حیات را ارزانی داشت. از دیدگاه ادیان الهی انسان آمیزه‌ای از جسم، روح، ماده و معناست و قرآن کریم آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی که خدای تعالی برای هدایت انسان‌ها فرو فرستاده و بدین روی، از هر چه به کمال و نیک‌بختی آدمیان مربوط می‌شود، در این کتاب مقدس فروگذار نشده است. اما به دلیل آنکه قرآن بر عالمیان آمده و بیشتر مردم در مراحل اولیه هدایت‌اند، حقایق مربوط به کمال نهایی و اوج کام‌یابی معنوی و ابدی به صورت رموز و اشارات در سراسر آیات قرآن کریم پراکنده و پنهان گردیده و برای کشف آنها، باید منظری بلندپایه بر آیات قرآن داشت تا بتوان راز نهان این کتاب آسمانی را کشف کرد.

از دیدگاه قرآن کریم، جهان آفرینش بیهوده و باطل آفریده نشده بلکه به حق و رو به سوی هدف معینی در حرکت است.^۱ خداوند تمامی آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است خلق کرد، تا در خدمت حیات و کمال انسان باشد.^۲ در این مسیر حیات طیبه به یاری انسان می‌شتابد؛ حیاتی که با گزینش آن از میان دو حیات مادی و معنوی، انسان به آرامش و اطمینان خاطر در دنیا و آخرت دست می‌یابد.

حیات طیبه به نوعی حیات اخلاقی است؛ زیرا انسان، زمانی شایسته نام انسان است و توانایی رسیدن به قرب الهی را دارد که از اخلاق انسانی برخوردار باشد. برخورداری از اخلاق انسانی، باعث تعالی شخصیت معنوی انسان گشته و نه تنها در همین دنیا، بلکه در آخرت نیز مایه سعادت انسان می‌باشد. در غیر این صورت، وی حیوان خطرناکی است که با استفاده از هوش سرشار و تمام استعدادهایش، در راهی غیر از آنچه که خداوند برای او در نظر گرفته حرکت می‌کند، و مایه ویرانی همه چیز می‌گردد، تا جایی که تبدیل به بدترین جنبدگان شده^۳ و در گمراهی همچون چهارپایان، بلکه گمراه‌تر از آنها می‌شود.^۴

آنچه در این نوشتار مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته، بررسی حیات طیبّه انسانی از دیدگاه آیات قرآنی و روایات می‌باشد البته مقالات و کتاب‌هایی در این زمینه به چاپ رسیده، هر یک از نظری متفاوت از دیگری، حیات طیبه را مورد بررسی قرار داده است. آنچه این مقاله بدان اهتمام

^۱ . ص: ۲۷؛ روم: ۸؛ آل عمران: ۱۹۱؛ عنکبوت: ۴۴؛ جاثیه: ۲۲؛ و ...

^۲ . جاثیه: ۱۳؛ حج: ۶۵؛ لقمان: ۲۰

^۳ . انفال: ۲۲ و ۵۵

^۴ . اعراف: ۱۷۹؛ فرقان: ۴۴

می‌ورزد، آن است که با روش توصیفی-تحلیلی، با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و با مراجعه به منابع کتب دینی، آثار حیات طیبه را مورد بررسی قرار دهد و در ادامه سعی می‌شود به سؤالاتی از جمله این که اساساً حیات و زندگی پاک و طیب چیست و چه آثاری در زندگی انسان دارد؟ پاسخ داده شود.

۱. معنای حیات طیبه

«حیات» در لغت ضد «موت» است^۱ از آثار حیات، تحرک و تحسس است.^۲ حیات به معنای رشد، نمود، بقا، منفعت، سود، زندگانی، چیزهایی که جانداران و جمادات را از هم جدا می‌کند؛ می‌باشد.^۳

در زبان فارسی طیب به معنای «خوب و نیکو بودن یا شدن، شیرین و دلپذیر و خوشمزه، راضی و دلپذیر، گوارا، همراه با آرامش خاطر، روا و حلال، عطر و خوشبویاست و «طیب» در لغت به چیزی اطلاق می‌شود که فی‌نفسه مطلوب و به دور از آلودگی ظاهری و باطنی باشد و نقطه مقابل آن، «خبث» است؛ یعنی چیزی که ظاهراً و باطناً آلوده، و فی‌نفسه مایه اکراه اس.^۴ طیب به معنای دلچسبی، طبع‌پسندی. (طاب‌الشی طیباً) یعنی دلچسب و طبع‌پسند شد. اصل آن طیب است که حواس از لذت می‌برد.^۵ طیب به معنای دور بودن از هر گونه ناپاکی، هر چیزی که از آلودگی ظاهری و باطنی به دور باشد و خود نیز خویشاوند و شایسته باشد.^۶

مفسران قرآن: معانی متعددی برای «حیات طیبّه» ذکر کرده‌اند. مانند: روزی حلال، قناعت^۷ و خشنودی از قسمت الهی^۸ عبادت توأم با روزی حلال،^۹ زندگانی در طاعت خداوند.^۱

^۱ . ابن‌منظور، لسان‌العرب، صفحه ۲۱۱.

^۲ . مصطفوی، تحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، ج ۲، صفحه ۳۶۹.

^۳ . ریگی، معجم‌الوسیط، صفحه ۴۷۷.

^۴ . مصطفوی، تحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، ج ۷، صفحه ۱۵۱.

^۵ . قرشی، قاموس قرآن، صفحه ۲۵۷.

^۶ . مصطفوی، تحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، صفحه ۱۵۱.

^۷ . طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، صفحه ۴۲۴.

^۸ . فیض کاشانی، الاصفی فی تفسیر القرآن، ج ۱، صفحه ۶۶۲.

^۹ . ابن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن‌العظیم، ج ۴، صفحه ۵۱۶.

به دیگر سخن: حیات طیبه؛ یعنی زندگی‌ای که نیازهای مادی، جسمانی و معنوی - چه علمی، چه عملی، چه روحی - آدمی را پاسخ‌گو باشد.^۲

طباطبایی: حیات طیبه، حیاتی واقعی و جدید است که خداوند آن را به کسانی که سزاوارند؛ افاضه می‌فرماید و این حیات جدید و اختصاصی جدای از زندگی سابق که همه در آن مشترک- اند؛ نیست. در عین اینکه غیر آن است؛ همان است. تنها اختلاف به مراتب است نه به عدد. پس کسی که دارای آنچنان زندگی است؛ دو جور زندگی ندارد بلکه زندگیش قوی‌تر، روشن‌تر، و واجد آثار بیشتر است.^۳

مکارم شیرازی: حیات طیبه یعنی تحقق جامعه‌ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده‌ی انسانی که از نابسامانیها و درد و رنجهایی که بر اثر استکبار، ظلم، طغیان، هواپرستی و انحصارطلبی به وجود می‌آید و آسمان زندگی را تیره و تار می‌سازد؛ در امان است.^۴

۲. وجوه مختلف حیات در قرآن

حیات در قرآن کریم در معانی مختلفی به کار رفته است؛ در اینجا چند مورد از این معانی با توجه به آیات مربوط به آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم؛

۱.۲ حیات گیاهی: زندگی گیاهی نوعی از زندگی حیوانی، البته مرتبه‌ای ضعیف‌تر از آن است. حیات گیاهان در قرآن کریم به زمین نسبت داده شده است و رویاندن گیاهان و زندگی یافتن آنها (احیای زمین) خوانده شده است.^۵

«و زمین را بعد از مرگش دوباره زنده می‌سازد و بر این گونه (از گورها) بیرون آورده می‌شوید».^۶

هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.^۷

^۱ . رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، صفحه ۸۹.

^۲ . خامنه‌ای، سایه‌سار ولایت، ج ۶، صفحه ۲۵ (با اندکی ویرایش).

^۳ . طباطبایی، المیزان، ج ۲، صفحه ۴۹۱.

^۴ . مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، صفحه ۳۹۱.

^۵ . علوی، حیات رویکردی قرآن، صفحه ۱۰۰.

^۶ . «وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ تَخْرُجُونَ»؛ روم: ۱۹-۳۰.

^۷ . «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ نحل:

بعضی حیات طیبه در این آیه را به معنی روزی حلال، و بعضی به قناعت و رضا به داده الهی، بعضی به عبادت همراه با روزی حلال، بعضی به توفیق بر اطاعت فرمان الهی، تفسیر کرده‌اند و بعضی هر گونه پاکیزگی از آلودگیها، ظلمها، خیانتها، عداوتها، اسارتها و ذلتها و طهارت و پاکیزگی و رفاه و آسایش را در مفهوم آن مندرج دانسته‌اند؛ ولی با توجه به جمله «وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ» که ناظر به پاداش آخرت است، بیشتر به نظر می‌رسد که «حیات طیبه» اشاره به زندگی پاکیزه این دنیا باشد.^۱

[او فرمود] قناعت دولتمندی را بس و خوی نیک نعمتی بود در دسترس. و از امام علی علیه- السلام پرسیدند منظور از جمله «فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» چیست؟ فرمودند: «قناعت» است؛^۲ بدون شک مفهوم این تفسیر محدود ساختن حیات طیبه به قناعت نمی‌باشد، بلکه بیان مصداق است ولی مصداقی است بسیار روشن، چرا که اگر تمام دنیا را به انسان بدهند ولی روح قناعت را از او بگیرند همیشه در آزار و رنج و نگرانی بسر می‌برد، و به عکس اگر انسان روح قناعت داشته باشد، و از حرص و آز و طمع بر کنار گردد، همیشه آسوده خاطر و خوش است.^۳

۲.۲ حیات حیوانی

این گونه زندگی خود در بردارنده‌ی مراتب و درجات متعددی است. همان حیاتی است که موجوداتی چون انسان‌ها و جانوران دارا هستند. زنده‌گان به این حیات با آثار و نشانه‌هایی مانند حرکت، احساس، تغذیه، تولیدمثل، اراده و تغذیه شناخته می‌شوند. همه انسانها در بهره‌مندی از حیات حیوانی مشترکند. چه مؤمنانی که فراتر از این زندگی، حیات طیبه دارند و چه کافران محروم از این بهره‌مندی برتر. چون مؤمنان و هم کافران در آغاز دارای این حیات بوده و به یک اندازه از آن بهره‌مند بودند؛ اما کافران در تنگنای حیات حیوانی بدان قناعت کرده ولی مؤمنان آن را ترقی داده و به حیات برتر رسیده‌اند.^۴ مفسران آیه ۱۵ و ۱۶ سوره هود را نمونه بارز حیات حیوانی می‌دانند:

^۱ . مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، صفحه ۵۵.

^۲ . «و قال [عليه السلام] كفى بالقناعة ملكاً و بحسن الخلق نعيماً و سئل [عليه السلام] عن قوله تعالى [فلنحيينه حياه

طيبه] فقال هي الناعة»؛ نهج البلاغه كلمات قصور/ ۲۲۹

^۳ . مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، صفحه ۳۹۵.

^۴ . علوی، حیات رویکردی قرآن، صفحه ۹۷.

۵. در ایشان روح حرکت نهاد که با آن رفت و آمد کنند.

و در مؤمنین و اصحاب یمین، روح ایمان نهاد که با آن از خدا بترسند، و در ایشان روح قوت نهاد و با آن بر اطاعت خدا توانایی یابند، و در ایشان روح میل و گرایش نهاد و با آن خواهان اطاعت خدا گردند و در ایشان روح حرکت نهاد که با آن روح رفت و آمد کنند.^۱

کلمه «روح» در این حدیث شریف به معنای قوه و نیرویی است باطنی و معنوی که منشأ و مبدأ آثاری است که امام علیه السلام بیان می کند؛ زیرا رفت و آمد انسان و ترس او از خدا و شناختن و دانستن چیزها، آثار و اعمالی است که از انسان بروز می کند و این آثار ناچار باید مبدأ و علت و موجب و محرکی داشته باشند که هستی و قیامشان به آن باشد. از این رو کلمه «روح» در این روایت همان مبدأ و علتی است که سبب پیدایش این آثار گشته است.

در روایتی دیگر آمده است: راوی می گوید خدمت امام موسی بن جعفر علیه السلام رسیدم، به من فرمود: خدای تبارک و تعالی مؤمن را به وسیله روحی از جانب خود تأیید کند و هر زمان که مؤمن نیکی کند و تقوا پیش گیرد، آن روح نزد او حاضر است، و هرگاه گناه کند و تجاوز نماید، آن روح در آن وقت غایب شود. پس آن روح با مؤمن است و در زمان احسان و نیکی او از شادی به جنبش آید و هنگام بدی و گناه از او افول نماید. بندگان خدا! نعمت های خدا را (که ایمان و یقین است) به وسیله اصلاح نفس خویش (به سبب تقوا و ترک گناه) مراقبت کنید تا بر یقین شما بیفزاید و سودی نفیس و گران بها برید. خدا رحمت کند بنده ای را که تصمیم خیری گیرد و انجام دهد یا تصمیم شری گیرد و از آن بازایستد. سپس فرمود: ما (اهل بیت) آن روح را به وسیله اطاعت خدا و عمل برای او فزاینده می کنیم^۲

۱. «يَا جَابِرُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ ثَلَاثَةَ أَصْنَافٍ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ هُمْ رُسُلُ اللَّهِ وَخَاصَّةُ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ جَعَلَ فِيهِمْ خَمْسَةَ أَرْوَاحٍ أُيِّدَهُمْ بِرُوحِ الْقُدُسِ فِيهِ عَرَفُوا الْأَشْيَاءَ وَأُيِّدَهُمْ بِرُوحِ الْإِيمَانِ فِيهِ خَافُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَأُيِّدَهُمْ بِرُوحِ الْقُوَّةِ فِيهِ قَدَرُوا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَأُيِّدَهُمْ بِرُوحِ الشَّهْوَةِ فِيهِ اسْتَهْوَوْا طَاعَةَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَكَرِهُوا مَعْصِيَتَهُ وَجَعَلَ فِيهِمْ رُوحَ الْمَدْرَجِ الَّذِي بِهِ يَذْهَبُ النَّاسُ وَيَجِيئُونَ وَجَعَلَ فِي الْمُؤْمِنِينَ وَأَصْحَابِ الْمَيْمَنَةِ رُوحَ الْإِيمَانِ فِيهِ خَافُوا اللَّهَ وَجَعَلَ فِيهِمْ رُوحَ الْقُوَّةِ فِيهِ قَدَرُوا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَجَعَلَ فِيهِمْ رُوحَ الشَّهْوَةِ فِيهِ اسْتَهْوَوْا طَاعَةَ اللَّهِ وَجَعَلَ فِيهِمْ رُوحَ الْمَدْرَجِ الَّذِي بِهِ يَذْهَبُ النَّاسُ وَيَجِيئُونَ»؛ جوادى آملی، فطرت در قرآن، صفحه ۱۲۰-۱۲۱

۲. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، صفحه ۱۹۰۵.

بنابر آنچه بیان شد، فرایند شکل‌گیری حیات طیبه در انسان به این صورت است که با ورود به فضای دین‌داری و ایمان و تمکن در این فضا، مرتبه فائقه روح او که به صورت استعداد در وی نهفته است، شکوفا می‌شود. ثمره ارزشمند این شکوفایی، ظهور حیاتی معنوی و طیب است که فوق حیات ظاهری می‌باشد.

۶. اوج حیات طیبه در انسان کامل

انبیا و اوصیای الهی که برترین مصداق انسان کامل‌اند، از مقام شامخ روح‌القدس برخوردار هستند؛ روح آنان به فعلیت محض بار یافته است و بر این اساس بالاترین رتبه حیات طیبه را از آن خود کرده‌اند. آنان به برکت آن مرتبه از روح و این درجه از حیات، به همه ذرات عالم احاطه علمی یافته‌اند و همه حقایق در منظر آنهاست.

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «برای انبیا و اوصیا علیه‌السلام مقام شامخی است از روحانیت که آن را «روح‌القدس» گویند؛ و به آن مقام احاطه علمی قیومی دارند به جمیع ذرات کائنات، و در آن روح غفلت و نوم و سهو و نسیان و سایر حوادث امکانیه و تجددات و نقایص ملکیه نیست، بلکه از عالم غیب مجرد و جبروت اعظم است»^۱.

مفسر فرزانه معاصر جوادی آملی نیز در این باره نوشته‌اند: «عالی‌ترین مرتبه حیات طیبه از آن انسان کامل است که خود کلمه طیبه تکوینی الهی است. انسان کامل "حی متألّهی" است که به فعلیت محضه بار یافته و از مراتب روح، آخرین مرتبه را که روح‌القدس است، حائز شده است. مردم همگی از روح نفخی "نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي" برخوردار و از حیات متکی بر آن بهره‌مندند؛ مؤمن به عنایت ازلی، مؤید به روح تأییدی "وَأَيَّدُهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ" بوده و از حیات طیبه ایمانی ناشی - شده از آن مُتَنَعِم است. لیکن مرحله عالی و کامل روح را که روح‌القدس است، خدا در انبیا و ائمه به ودیعه گذاشته است: "أَيَّدُوكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ". این روح که چیزی جدای از وجود آنان نیست، حقیقت بسیار متعالی است که عالی‌ترین مرتبه حیات که اوج حیات طیبه است را به آنان ارزانی می‌دارد و برکات فوق تصور بر این حیات ملکوتی مترتب می‌گردد».

^۱. امام خمینی، سیرت آفتاب، صفحه ۵۴۵

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده دریافتیم از دیدگاه قرآن کریم حیات حقیقی از آن خداوند است و همه موجودات بهره‌ای از آن را دارا می‌باشند و یکی از راههای رسیدن به کمال رسیدن به حیات طیبه است. حیات طیبه را یکی از مقولات بنیادی در اندیشه بشر معاصر معرفی کردیم. مسلمانان و غیرمسلمانان از منظر خاص خود این موضوع را مورد مطالعه قرار داده‌اند و از آنچه بیان گشت روشن شد که حیات طیبه نشئت گرفته از روحی جدید در انسان است. این روح گرچه از حیث نوپیدیدیش جدید است، لکن در واقع مرتبه فائقه روح است که با فراهم شدن بستر مناسب، به اذن الهی پدیدار شده است. این بعد شکوفا شده منشأ پیدایش حیاتی معنوی و متعالی (حیات طیبه) در انسان می‌گردد. مراد از روح مذکور همان «روح‌الایمان» است که با اجابت دعوت خدا و رسول، و با ایمان و عمل صالح و همچنین شکوفایی عقل، از جانب خدا افاضه شده و بر شاخسارش شکوفه‌های حیات طیبه می‌شکفد و انسان واقعی که «حی متألّه» است را به ظهور می‌رساند. مطالعاتی زیادی در این باره از ابتدای پیدایش اسلام تا کنون صورت گرفته است و کتاب‌ها و مقالات زیادی به رشته تحریر درآمده‌اند و همچنان جامعه‌ی بشریت به شناخت بیشتری از حیات طیبه دارند و امید می‌رود که این مقاله مورد استفاده خوانندگانی قرار گیرد که برای شناخت خود وجودی و انسانیت و پاکی سرشت خویش به دنبال یافتن راه رستگاری ابدی می‌باشند.

فهرست منابع

- قرآن
- نهج البلاغه

منابع فارسی

۱. تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ترجمه علیرضا برازش، قم، نشر امیرکبیر، ج ۶.
۲. حسینی طهرانی، محمدحسین، آیین رستگاری، تهران، بی تا، ج ۱۶. ۱۴۳۳ق.
۳. خمینی، روح الله، سیرت آفتاب (چهل روایت از حیات طیبه امام خمینی (س)، تهران، طبع و نشر، ۱۳۸۵.
۳. خامنه‌ای، علی، سایه سار ولایت (منشور مطالبات مقام معظم رهبری از دانشگاه و دانشگاهیان)، ج ۶، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۴. طباطبائی، محمدحسین، «تفسیرالمیزان»، ترجمه، موسی، محمدباقر، قم، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۱، ۱۳۷۸ش.
۵. عبدالله جوادی آملی، فطرت در قرآن، چ دوم، قم، اسراء، ۱۳۷۹.
۶. علوی، محمدعلی، حیات رویکردی قرآن، —، دانشگاه امام صادق علیه السلام ۱۳۸۵.
۷. فیض کاشانی، ملا محسن، الاصفی فی تفسیرالقرآن، ج ۱، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق
۸. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، [ج ۵]، ۱۳۰۷.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ اول، ج ۱، ۱۳۷۷هـ.ش.
۱۰. —، تفسیر نمونه، انتشارات: دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ج ۱۱، ۱۳۷۴ش.
۱۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱۲۳۹۸، —، نشر دارالحديث، ۱۳۸۴ ش.
۱۲. مصطفوی، حسن، تحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵.

۱۳. افرام بستانی، فواد، **المعجم الوسيط**، ترجمه: محمد بندر ریگی، نشر اسلامی، ۱۳۹۲.

منابع عربی

۱۴. الوسی، محمد بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، گردآورندگان: ابراهیم شمس‌الدین - علی عبدالیاری عطیه، بیروت-لبنان، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ق.

۱۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.

۱۶. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، **تفسیر القرآن العظیم**، ج ۴، ص ۵۱۶، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.

۱۷. ابن طاووس، **اللهوف علی قتلی الطفوف**، تهران. جهان، ۱۳۴۸ ش.

۱۸. انصاری، ابن منظور، لسان العرب، بیروت، انتشارات: دار صادر، ۱۴۱۴هـ

۱۹. طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، ج ۶، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۲۰. علی بن حسین علیه السلام، **صحیفه سجادیه**، دعای ۲۲، ترجمه حسین انصاریان، تهران، پیام آزادی، ۱۳۷۴.

۲۱. شیخ صدوق، **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**، موضوع: احادیث و عقاب اعمال، —، نشر رضی، ۱۳۶۸ ش.

۲۲. محمد بن مکرم بن علی، ابن منظور، **لسان العرب**، انتشارات: دار صا - بیروت، ۱۴۱۴هـ

۲۳. متقی، علی بن حسام‌الدین، **کنز العمال سنن الأقوال و الأفعال**، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق - ۱۳۷۲.

۲۴. نجفی، محمد حسن بن باقر (۱۳۶۲)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، پژوهش و تعلیق محمد قوچانی، سید ابراهیم میانجی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مقاله

۲۵. فرزند وحی، جمال؛ رحیمی، معصومه، «**حیات طیبه انسان از منظر قرآن**»، علوم قرآن و حدیث، قرآنی کوثر، شماره ۴۱، ۱۳۹۰-۹۱.